

لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت

حسین آقابابی*

استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۲۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۲/۲)

چکیده

لیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی نظام های سیاسی غرب در اصول بنیادین خویش به حقوق اساسی بشر و از جمله حق حریم خصوصی که باید از دخالت همه کس به خصوص قدرت عمومی مصون باشد اذعان دارد. اما قدرت عمومی همواره به بهانه ایجاد نظم و امنیت و یا شرایط اضطراری به محدود کردن آزادی ها و از جمله دخالت در حوزه خصوصی افراد مبادرت کرده است. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، محیط امنیتی جدیدی را ایجاد کرده که نظام سیاسی این کشور با وضع قوانین و مقررات مداخله جویانه و از جمله قانون پاتریوت به شکلی گسترده نسبت به نقض حقوق فردی و از جمله دخالت در حریم خصوصی اقدام کرده است. در این مقاله اهمیت حریم خصوصی در ایدئولوژی لیبرال و تأثیرات قانون پاتریوت در این خصوص بررسی می شود.

واژگان کلیدی:

لیبرالیسم - حریم خصوصی - قانون پاتریوت - تروریسم

مقدمه

فلسفه سیاسی در بحث از آزادی به تعیین مرز آزادی، حیطة دخالت حکومت و فلسفه این دخالت می‌پردازد. حقوق کیفری در بحث مرزهای حقوق به بررسی معیارهای جرم-انگاری و چگونگی دخالت دولت در جامعه می‌پردازد تا محدوده دخالت حقوق کیفری برای ساماندهی اجتماعی را مشخص نماید. نظریه پردازان سیاست جنایی نیز با ارائه مدل‌های سیاست جنایی در نظام‌های سیاسی مختلف هم‌چون لیبرال، اقتدارگرا و تمامیت‌خواه به نحوه و میزان دخالت دولت در مورد جرم و انحراف می‌پردازند. یکی از موضوعاتی که در ایدئولوژی لیبرال بسیار مورد توجه بوده است، محدود کردن دخالت قدرت عمومی (دولت) و تعریف حوزه‌ای از زندگی که باید سامان آن فارغ از دخالت دولت، به افراد واگذار شود. این بحث تحت عنوان «حریم خصوصی» (Privacy) در نظم اجتماعی لیبرالیسم مورد توجه قرار گرفته است. از نظر تاریخی، مقصود کسانی چون جان لاک یا استوارت میل که به طرح حریم خصوصی و عدم دخالت دولت در آن پرداخته‌اند، عمدتاً متوجه عقیده مذهبی و بلکه مطلق عقاید بود. هم‌چنان که تساهل ابتدا نسبت به عقاید مذهبی و آزادی مذهب مطرح گردید و پس از آن به مطلق عقاید و سپس به قلمرو اعمال نیز سرایت کرد و حق خلوت در شکل عدم مداخله دولت در رفتارهای خصوصی شخص مانند روابط جنسی یا اعمال مضر به سلامتی شخص هم‌چون نوشیدن مشروبات الکلی اعمال گردید.

در سال‌های اخیر با پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و توانایی دست‌یابی به مکاتبات الکترونیکی، و مکالمات یا مطالب ذخیره شده در رایانه‌ها، موضوع تأثیر تکنولوژی بر خلوت افراد به موضوعی مهم تبدیل شده است. هم‌چنین گسترش رسانه‌های مکتوب و تصویری، هم‌چون مجلات و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون و ماهواره‌ها و دخالت روزافزون آنها در زندگی خصوصی افراد از طریق چاپ تصویر یا عکس‌های خصوصی، یا افشای روابط خصوصی، نگرانی‌هایی جدید را ایجاد کرده است.

از طرف دیگر، شرایط امنیتی در جهان و به ویژه مسایل پس از حادثه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، بحث حریم خصوصی را با چالشی جدید مواجه ساخته است. با وجود این که دسترسی به اطلاعات فردی همواره برای سازمان‌ها و نهادهای اطلاعاتی برای کاهش خطر و ایجاد ثبات و امنیت موضوعی مهم بوده است، اما در محیط جدید امنیتی در برخی کشورهای دارای ایدئولوژی لیبرال، دسترسی به اطلاعات و به اشتراک گذاشتن اطلاعات فردی (Information sharing) علاوه بر حمایت‌های شفاهی و سیاسی، از حمایت‌های حقوقی نیز بهره‌مند شده است. «قانون پاتریوت امریکا» (USA PATRIOT ACT) برنامه‌های مداخله‌جویانه گسترده‌ای پیش‌بینی نموده است که در موارد بسیاری نقض حریم خصوصی و نسخ‌کننده

قوانین قبلی آمریکا در حوزه های حقوق شهروندی و حریم خصوصی است. این قانون با طرح موضوع «جنگ علیه ترور» (War on Terror) و مبارزه با «سربازان دشمن» (Enemy Combatant) در جهت گسترش اختیارات نیروهای امنیتی و انتظامی و محدودیت نظارت قضایی بر آمده است. علاوه بر این، آیین نامه ها و دستور العمل های اجرایی و یا فرمان های ویژه مقامات اجرایی نیز مسایل حقوق شهروندی، حریم خصوصی و دادرسی عادلانه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

تقریباً همه ی این برنامه ها با عجله و در شرایط ترس و بدون سنجش و مشورت و البته با حمایت شرکت های امنیتی بخش خصوصی که عرضه کننده اطلاعات و دارای برنامه های پیچیده استخراج دیتا هستند تنظیم شده اند. در محیط جدید امنیتی، رعایت حریم خصوصی در حاشیه قرار گرفته و برقراری امنیت به نیاز اساسی تبدیل شده است. به قول یکی از نویسندگان، نصیحت مشهور «بن فرانکلین» (Ben Franklin) دایر بر این که «آنهايي که با از دست کشیدن از آزادی به دنبال ایجاد امنیت موقتی هستند، نه آزادی را حفظ می کنند و نه امنیت را» به فراموشی سپرده شده است. (Regan,2004: 482)

در این مطالعه، ابتدا به صورت مختصر مفاهیم لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت و اصل عدم مداخله در ایدئولوژی لیبرال مورد بحث قرار گرفته و سپس به تحولات حریم خصوصی در دوران پس از یازده سپتامبر در دو بخش جمع آوری اطلاعات فردی و کاهش ضمانت های حقوق فردی با تأکید بر مقررات قانون پاتریوت پرداخته شده است.

۱. ادبیات تحقیق

۱.۲. لیبرالیسم

مفهوم اصلی ایدئولوژی لیبرال، آزادی شهروندان در سایه حکومت محدود به قانون است. هدف اصلی ایدئولوژی لیبرال از آغاز پیدایش، مبارزه با قدرت خودکامه و خود سر بود. لیبرالیسم، نخست بر ضد حکومت کلیسا در غرب و سپس در مقابل حکومت شاهان مطلقه قدر بر افراشت. به جای قدرت مطلقه، قدرت محدود و مشروط و به جای قدرت خودکامه، قدرت قانونی، آرمان اصلی لیبرالیسم بوده است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۲۴). این ایدئولوژی، با توجه به تفسیری که نسبت به انسان و سرشت او دارد، انسان را بهره مند از عقل و خرد دانسته و معتقد است فرد تنها در آزادی می تواند به حکم خرد خود چنان که می خواهد زندگی کند. سلب آزادی، به معنی نفی خردمندی است و نفی توان خردورزی انسان، به نفی آزادی او می انجامد. آزادی فردی ضامن تأمین مصالح فرد و جمع و لازمه شأن و شرف آدمی در مقام موجود خردمند است. (همان: ۱۲) بر این اساس، اندیشه و ایدئولوژی لیبرال مخالف دخالت دولت در

زندگی جمعی و از جمله اقتصاد، فرهنگ، دین و غیره است. اندیشه آزادی فردی و محدود بودن مداخله دولت هرچند به عنوان اصول ایدئولوژی لیبرال تکمیل کننده همدیگرند، گاه با همدیگر تعارض پیدا می‌کنند و آن در جایی است که حفظ و توسعه آزادی‌های فردی و ایجاد زمینه برای برخورداری از آزادی‌ها، دخالت بیش‌تر دولت را توجیه می‌کند؛ از همین رو، «دمکراسی» که برنامه سیاسی ارائه شده از طرف ایدئولوژی لیبرال و تحقق عینی و تعدیل شده ایدئولوژی لیبرال است، در عمل متضمن حمایت از دخالت‌های دولت در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بوده است. به تعبیر دیگر، لیبرالیسم به عنوان یک ایدئولوژی، ضمن پایبندی به اصول اساسی خود، شاهد تحولاتی در حوزه اندیشه و عمل سیاسی بوده است. اندیشه آزادی که در لیبرالیسم اولیه (کلاسیک) (Classical Liberalism) به معنای آزاد بودن انسان و ممنوعیت هر گونه مداخله و از جمله مداخله دولت یعنی «آزادی منفی» (Negative freedom) بود، در نظام‌های لیبرال-دمکراسی قرن بیستم و دیدگاه‌های لیبرال‌های تجدیدنظرطلب به «آزادی مثبت» (Positive freedom) یعنی توانایی انتخاب و قدرت برخورداری فرد از حقوق طبیعی تعبیر شده و نظریه عدم مداخله یا بی طرفی دولت و دیدگاهی که دولت و حکومت را شر ضروری می‌دانست، در دیدگاه‌های جدید به «خیر مثبت» تبدیل شد تا آن جا که هگل فیلسوف آلمانی در فلسفه حق توجیه می‌کند که دولت یک مفهوم اخلاقی است که مظهر آمال مشترک جامعه است. هگل پیشرفت بشر را همراه با توسعه دولت نوین دانست و از آن به «راه رفتن خدا بر روی زمین» یاد کرد (هی وود، ۱۳۷۹: ۸۷). این نظریات تأثیرات عمیق بر ایدئولوژی لیبرال داشته و توجیه‌کننده «دولت‌های رفاه» (Welfare state) و مداخله بیش‌تر دولت‌ها در زندگی اجتماعی شده است.

۲.۲. حریم خصوصی

در فرهنگ حقوقی آکسفورد در تعریف حریم خصوصی آمده است: «حق برای خود بودن (The right to be left alone)؛ حق زندگی خصوصی (The right to a private life) آن گونه که در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (European Convention on Human Rights) انعکاس یافته است. این حق مشتمل است بر حریم ارتباطات (مکالمات تلفنی، مکاتبات و غیره)، حریم خانه و اداره، حمایت محیطی؛ حمایت از تمامیت فیزیکی و حمایت از تعقیب‌های غیرموجه» (Martin, 2006: 410)

یکی از دادگاه‌های انگلستان در دعوایی درباره زندگی خصوصی چنین حکم داده است: «دادگاه تعریفی جامع از زندگی خصوصی را نه ممکن و نه ضروری می‌داند. اگر چه محدود کردن آن به محدوده ای که شخص بر می‌گزیند تا درون آن محدوده زندگی شخصی خود را

بر اساس انتخاب‌های خود بگذرانند و جهان خارج از آن محدوده به هیچ وجه شامل آن نشود نیز تعریفی مضیق خواهد بود (Michael, 2000: 811).

در اعلامیه مقامات حقوقی کشورهای اروپایی شرکت کننده در نشست کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان در استکهلم در ۱۹۶۷ آمده است: حق خلوت حقی است که هر کس باید به حال خود گذاشته شود تا با کمترین دخالت دیگران به زندگی خود بپردازد. برخی اموری که باید زندگی اشخاص در برابر آن حمایت شود عبارتند از: دخالت در زندگی خصوصی، مسکن و خانواده، دخالت در تمامیت جسمی و ذهنی یا آزادی روحی و فکری، تعرض به شرف، آبرو و اعتبار شخص، در معرض تهمت قرار گرفتن، افشای غیر موجه اموری از زندگی شخص که موجب ایذاء می شود، استفاده از نام، هویت، یا تشابه وی، جاسوسی، دخالت بی مورد، مشاهده یا تحت مراقبت قرار دادن شخص، دخالت در مکاتبات شخص، افشای اطلاعاتی که در نتیجه اعتماد شغلی از کسی دریافت کرده یا به کسی داده است، سوء استفاده از مکاتبات خصوصی، نوشته های خصوصی، یا اظهارات شفاهی خصوصی (Ibid: 13).

از منظر دین اسلام، یکی از نویسندگان با اذعان به این که ریشه های تفکیک حوزه خصوصی از حوزه عمومی در متون فقهی و اخلاقی به چشم می خورد، معتقد است تحقق دو ضابطه (یا یکی از دو ضابطه) امری را خصوصی می کند: یکی تمایل به مخفی داشتن از دیگران و دور از دسترس دیگران نگاه داشتن و دیگری آنچه اختیار آن منحصرًا باید در اختیار خود شخص باشد، و او تنها کسی باشد که صلاحیت تصمیم گیری درباره آنرا به عهده دارد... در واقع خصوصی چیزی است که یا اطلاع و ابراز آن، یا اینکه سامان و تدبیر و تصمیم آن، منحصرًا در اختیار شخص باشد و شخص در هر دو زمینه (یا یکی از آن دو) صاحب اختیار تامه باشد (کدیور، ۱۳۸۶: ۲).

حریم خصوصی در همه ی مقررات حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته^۱ و در حقوق ایران در طرح قانونی که در سال ۱۳۸۵ از طرف تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی جهت تصویب ارائه شده است به شکل مناسبی تعریف گردیده است.^۱

^۱ ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خو نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.

بند ب ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره: هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (مسکن، خانواده، مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد. جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جاز نیست و باید از شئون او در مقابل هر گونه دخالت زور گویانه حمایت شود.

بند ج: مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد و یا ساکنانش را آواره نمود.

۳،۲ قانون پاتریوت

پاتریوت (Patriot) در زبان انگلیسی به معنای شخص وطن پرست و وطن دوست است. تهیه کنندگان قانونی که امروزه به قانون پاتریوت امریکا معروف شده است بدون شک به این مفهوم لغوی توجه داشته‌اند و عنوان انتخاب شده برای قانونی که بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر تصویب شد به گونه‌ای گزینش شده است که به این مفهوم لغوی اشاره داشته باشد. در ماده یک قانون مزبور آمده است: «این قانون به عنوان قانون متحد ساختن و تقویت امریکا با مقرر کردن اقدامات مناسب و ضروری به منظور قطع و پیشگیری از تروریسم به قانون پاتریوت امریکا نامیده می‌شود»^۱ این قانون ۳۴۲ صفحه ای توسط کنگره در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱ تنها ۴۵ روز پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به برج های تجارت جهانی و پنتاگون و در زمانی که ساختمان سنا به دلیل تهدید سیاه زخم بسته بود تصویب شد. سنا با اکثریت ۹۸-۱ و کنگره با اکثریت ۳۵۷-۶۶ به این قانون رأی مثبت دادند. این قانون بسیاری از قوانین راجع به حریم خصوصی در بخش های مختلف را اصلاح کرد.

۲. لیبرالیسم و حریم خصوصی

همان گونه که اشاره شد، لیبرالیسم کوششی فکری به منظور تعیین حوزه خصوصی (فردی، خانوادگی، اقتصادی) در برابر اقتدار دولتی بوده است و به عنوان ایدئولوژی سیاسی، از حوزه جامعه مدنی در برابر اقتدار دولت و بنابراین از دولت مشروطه و مقید به قانون و آزادی های فردی و حقوق مدنی دفاع کرده است. بر طبق اصول لیبرالیسم، حق دولت برای دخالت در زندگی خصوصی و مدنی باید با قیودی نیرومند و مشخص محدود گردد. برخی ریشه اولیه شناسایی حوزه ای جدا از حوزه دولت را در افکار هابز جستجو کرده‌اند. در این حوزه ای جدا از دولت، همه ی افراد با هم برابرند و هر کس در جهت تأمین منافع شخصی خود تلاش می کند و نفع جویی، اساسی ترین انگیزه عمل است. وقتی افراد حقوق

ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی: (۱) هر کس حق آن را دارد که حرمت زندگی خصوصی و زندگی خانوادگی، خانه وی و مکاتبات وی حفظ شود. (۲) هیچ مداخله ای توسط یک مرجع عمومی نسبت به اعمال این حق نباید صورت گیرد، مگر آنچه طبق قانون بوده و در یک جامعه دموکراتیک به لحاظ مصالح امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، برای حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، برای حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا برای حمایت از حقوق و آزادی های دیگران لازم باشد.

^۱ در بند اول ماده ۲ این طرح آمده است: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی شخصی است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می شوند».

2. Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required intercepting and obstructing Terrorism Act of 2001. (USA PATRIOT Act, 2001)

مطلق خود را در وضع طبیعی به قدرتی برتر واگذار می کنند، یک حوزه عمومی و یک حوزه خصوصی (دولت / جامعه) به صورتی مشخص و مشروع ایجاد می شود. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۵)

از سوی دیگر، به نظر جان لاک، دولت صرفاً وسیله ای برای دفاع از حقوق جامعه است. جامعه پیش از دولت وجود داشته است و همه حقوق آن به دولت واگذار نمی شود. قدرت دولت محدود به تأمین منافع و علایق جامعه است.

به عقیده لاک، انسان آزاد و عاقل پای به عرصه گیتی نهاده است و تابع هیچ قانون گذاری نبوده و تعهدی به هیچ قدرت برتری ندارد. قانونی که از سوی او پذیرفته شده است تنها قانون طبیعی است و آزادی افراد در جامعه بر پایه رضایت بنا نهاده شده است که به واسطه آن انسان در کشور تحت حمایت قوه مقننه قرار می گیرد. در عین حال، قوه مقننه قدرت مستبدانه و مطلقه بر افراد ندارد. زیرا قدرتی که قوه مقننه دارد چیزی نیست جز قدرتی که افراد به او داده اند تا از وضع طبیعی به سوی جامعه مدنی انتقال یابند. از آنجا که افراد قدرت طبیعی خویش را به دولت تسلیم کرده اند تا از امنیت، آزادی، کمال، تندرستی و دارایی برخوردار شوند، دولت باید تنها در نیل به «خیر عمومی» تلاش کند. لاک مدعی است: «بنابراین مراقبت از روح و روان هر فرد به خود او بستگی دارد و مقرر است که به خود او و نهاده شود» (محمودی، ۱۳۷۶: ۹۰).

جان استوارت میل به شدت از وجود حریم خصوصی دفاع می کرد. وی می گفت: «تنها منظوری که برای آن آدمیان حق دارند به صورت فردی یا اجتماعی در آزادی عمل فرد یا افراد دیگر مداخله کنند، حفاظت و دفاع از نفس است. به عبارت دیگر، در جامعه متمدن، اجبار و زور وقتی ممکن است نسبت به فردی به کار رود که منظور از آن، جلوگیری از آسیب رسانیدن به دیگران باشد. اما حتی حق ندارند نسبت به کسی اعمال زور کنند بدان منظور که خیر و صلاح خود او را تأمین کنند. ... تنها قسمتی از اعمال فرد که برای آن در مقابل اجتماع مسئول است، آن قسمت است که اثرش به دیگران می رسد. فرد در آن قسمت از اعمال خود که تنها به خود او مربوط است آزادی اش مطلق است و حدی بر آن متصور نیست. (صناعی، ۱۳۸۴: ۲۰۶)

با وجود تأکید لیبرالیسم بر محدود شدن مداخله دولت و تفکیک حوزه عمومی و خصوصی، در عین حال برنامه سیاسی ایدئولوژی لیبرال، نظام دموکراسی است. دموکراسی که به تدریج و با تعدیل لیبرالیسم پدید آمد، بر اصل مسئولیت گسترده دولت در برابر جامعه برای تأمین نوعی برابری تأکید می کند. البته دولت نباید بیش از حد لازم و اجتناب ناپذیر در اقتصاد و فرهنگ دخالت کند، لیکن باید بکوشد تا حد اکثر بهروزی و شادی را برای حداکثر مردم تأمین کند. بدین سان در نظام دموکراسی، دولت تنها از حقوق جامعه مدنی حراست نمی کند،

بلکه در گسترش آن هم مسئولیت دارد. از همین رو در دموکراسی تا حدی دخالت دولت ضرورت می‌یابد.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در تحول لیبرالیسم به لیبرال دموکراسی، آزادی منفی جای خود را به آزادی مثبت می‌دهد. در لیبرالیسم اولیه، آزادی به معنای امنیت جان و مال فرد از هر گونه تعدی و تجاوز خارجی از جمله تجاوز دولت است، در حالی که در لیبرال دموکراسی، آزادی یعنی توانایی انتخاب و قدرت برخورداری فرد از حقوق طبیعی؛ در این معنا، دولت مسئولیت می‌یابد که در صورت نیاز، به افزایش توان فرد کمک کند. بدین سان در اواخر قرن نوزدهم، نویسندگان لیبرال به تدریج بر اهمیت و ضرورت دخالت دولت در امور جامعه برای تأمین آزادی و برابری تأکید کردند. در واقع، نظریه لیبرالیسم که در قرن نوزدهم با توجه به محدودیت کارویژه‌های دولت، به جامعه و بازار توجه کرده بود، در قرن بیستم با افزایش اهمیت کارویژه‌های دولت مجبور شد نقش آن را در نظر بگیرد.

آن گونه که آیزایا برلین تصریح کرده است، همه فیلسوفان، صرف نظر از مشرب‌های فلسفی مغایری که داشتند، برای آرمان‌هایی غیر از آزادی - مانند عدالت، سعادت و امنیت - نیز ارزش زیاد قایل بودند و حتی حاضر بودند که آزادی را به خاطر آن آرمان‌ها محدود کنند. و این به معنی محدود کردن آزادی است به خاطر خود آزادی، زیرا در غیر این صورت تشکیل اجتماعی که مطلوب باشد میسر نمی‌شود. در عین حال، آزادی خواهانی همچون لاک و میل در انگلستان و توکویل و کنستان در فرانسه معتقد شدند که بلاخره یک حد اقل قلمرو آزادی هست که به هیچ وجه نباید مورد تعدی قرار گیرد (برلین، ۱۳۸۰: ۲۴۰). این فلاسفه برآنند که هماهنگی اجتماعی و پیشرفت، منافاتی با آن ندارد که محدوده‌ای وسیع هم برای زندگی خصوصی افراد اختصاص داده شود و در این محدوده دولت و هیچ مقام دیگری حق مداخله نداشته باشد (همان: ۲۴۲).

برخی از معتقدان به حکومت دموکراسی وجود چنین حیطه‌ای را منکر شده‌اند. اینان گاه استدلال می‌کنند که هیچ عملی وجود ندارد که نتایج و آثار آن تنها متوجه خود انسان باشد و بدین لحاظ بتوان آن را حیطه خصوصی نامید. یعنی حیطه خصوصی موضوعاً تحقق خارجی ندارد و گاه استدلال می‌کنند که رستگاری انسان بالاتر از آزادی اوست؛ یعنی حتی اگر چنین حیطه‌ای وجود داشته باشد، باز حکومت می‌تواند و بلکه باید در آن دخالت کند. (Edwards, 1927: 145)

بدین ترتیب، برخی منتقدان اندیشه لیبرالی که «جامعه‌گرا» (Communitarian) نامیده می‌شوند، اعتقاد دارند که حقوق فرد باید متناسب با تکلیف و مسئولیت او باشد. به اعتقاد ایشان این احتمال وجود دارد که تأکید بر حقوق فردی جامعه را چنان مسخ کند که کار در راه

خیر همگان غیر ممکن شود و مردم به گذشت های کوچک مانند پرداخت مالیات و رعایت قوانین دست و پاگیر که لازمه انسجام جامعه و تأمین حقوق فردی است تمایل نداشته باشند. (ترنس بال- ریچارد دگر، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

در مجموع و به عنوان نتیجه این بررسی می توان گفت: لیبرالیسم به حسب ماهیت وجودی و اصول بنیادین خویش اعتقادی به جرم‌انگاری حداکثری و محدود کردن آزادی‌های فردی و دخالت در حوزه خصوصی ندارد اما بروز مسئله اجتماعی و گسترش نابرابری‌ها در دورانی که خطر گسترش اندیشه سوسیالیسم و کمونیسم جدی بود و در دوران معاصر که اندیشه‌های افراط‌گرایانه و از جمله تروریسم به عنوان تهدید کننده اصلی ایدئولوژی لیبرال برجسته شده است، لیبرال‌ها را متقاعد کرده است که نمی‌توان بدون توسل به دولت مقتدر مسائل جامعه مدرن را حل کرد و گسترش جرم‌انگاری‌ها و به خصوص مداخله در حریم خصوصی شهروندان در این زمینه قابل بررسی است.

۳. حریم خصوصی در قانون پاتریوت امریکا

قانون میهن پرستی (پاتریوت) که بلافاصله بعد از حوادث یازده سپتامبر در امریکا تصویب شد، در بردارنده مسائلی مهم است که از جمله آنها نقض گسترده حریم خصوصی شهروندان امریکایی است. به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۱.۴ جمع‌آوری و انتشار اطلاعات فردی

در دهه ۱۹۷۰ یک سری از قوانین و مقررات، سازمان‌های خاص نگهداری اطلاعات را ملزم کردند در ارتباط با اطلاعات شخصی با شیوه‌های منصفانه اطلاعاتی (Fair information practices) هماهنگ شوند. قوی‌ترین این تأکیدات، اصول مطرح شده در بیانیه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (Organization for Economic Cooperation and Development) در سال ۱۹۸۱ است. برخی از این اصول عبارتند از:

- الف) محدودیت جمع‌آوری اطلاعات (Collection Limitation)، این اصل مقرر می‌دارد که صرفاً اطلاعات ضروری و مرتبط و از طریق راه‌های قانونی جمع‌آوری شوند.
- ب) تصریح به قصد (Purpose Specification) به مفهوم اعلام دلایل جمع‌آوری اطلاعات و ممنوع کردن جمع‌آوری اطلاعات برای مقاصد دیگر؛
- ج) محدودیت استفاده از اطلاعات (Use limitation) این اصل مقرر می‌دارد که اطلاعات فردی تنها با مجوز قانونی یا رضایت فرد می‌تواند افشا یا برای مقاصد ثانوی استفاده شوند.
- د) امنیت (Security) این اصل مقرر می‌داشت که اطلاعات شخصی در مقابل خطراتی از قبیل دسترسی غیر مجاز، استفاده، از بین بردن، تغییر یا افشاء حراست شوند.

ه) مشارکت افراد (Individual Participation) این اصل مقرر می‌دارد افراد حق دارند راجع به جمع‌آوری اطلاعات فردی آگاهی داشته باشند، به آن اطلاعات دسترسی داشته باشند، تقاضای اصلاح آن را بکنند و نسبت به سلب این حقوق اعتراض کنند.

و) پاسخ‌گویی (Accountability) مقرر می‌دارد کسانی که اطلاعات فردی را کنترل می‌کنند نسبت به اعمال این اصول مسئول خواهند بود (www.oecd.org).

برخی بندهای این اصول در همه قوانین راجع به محرمانه بودن اطلاعات در ایالات متحده وجود داشت که با تغییراتی که با تصویب قانون پاتریوت ایجاد شده دچار چالش شده است (Regan, 2004: 484) در این جا به برخی از این تغییرات اشاره می‌کنیم:

۱,۱,۴ مؤسسات مالی (Financial Institutions)

در تلاش برای شناسایی تروریست‌ها، رهگیری گردش پول موضوعی مهم تلقی گردیده و تغییرات چندی نسبت به قوانین و رویه‌های موجود انجام شد تا دسترسی به جابجایی‌های مالی برای مأموران انتظامی و امنیتی آسان‌گردد. اگر چه تمرکز این قوانین بر بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و امنیتی بود، تغییرات جدید دامنه مؤسسات مالی را به صنعت خودرو، حمل و نقل و معاملات اموال غیر منقول هم تسری داده است. ماده ۳۵۸ قانون پاتریوت با اصلاح «قانون حق محرمانه بودن اطلاعات مالی ۱۹۷۸» (Right to Financial Privacy Act, 1978) که هسته مرکزی حمایت از محرمانه بودن اطلاعات مالی محسوب می‌شد، به بانک‌ها اجازه می‌دهد که اطلاعات بانکی را به منظور تحلیل اطلاعاتی در اختیار مقامات دولتی قرار دهند.

همچنین ماده ۳۲۶ قانون موصوف‌خبر از تجدید نظر در قواعد شناسایی مشتری (Know-Your-Customer rules) می‌دهد که در دهه ۱۹۹۰ به دلیل تنافی با محرمانه بودن اطلاعات رد شدند. برنامه جدید به عنوان طرح شناسایی مشتری (Customer Identification Program (CIP)) معروف شده است. یکی از نویسندگان پس از بررسی تأثیرات قانون پاتریوت بر مؤسسات مالی، نتیجه می‌گیرد که: «بانک‌ها در عمل کارگزاران مأموران فدرال شده‌اند» (Connor, 2001: 24).

۲,۱,۴ مؤسسات آموزشی (Educational institutions)

قانون پاتریوت، قوانین سابق آمریکا که رضایت دانشجویان را برای افشای اطلاعات فردی آنها لازم می‌دانست اصلاح کرده است. این قانون دانشگاه‌ها را ملزم می‌کند متعاقب دستور دادگاه، اطلاعات فردی دانشجو را در همکاری با تحقیقات راجع به تروریسم در اختیار مأموران فدرال بگذارند. علاوه بر این، مأموران از طریق «مرکز ملی آمارهای آموزشی» (National Centers for Educational Statistics) قادر به دسترسی به اطلاعات هستند.

(Rivard, 2002: 43) همچنین، سرویس مهاجرت و تابعیت (Immigration and Naturalization Service (INS) در ارتباط با جمع آوری اطلاعات مرتبط با دانشجویان خارجی دارای اختیارات جدیدی شده است و قانون پاتریوت مؤسسات آموزشی را ملزم کرده که اطلاعات ویزا و پاسپورت دانشجویان را هم تهیه و نگهداری نمایند. (Hockeimer, 2002: 29)

یک بررسی و نظر سنجی که توسط «جمعیت امریکایی مسئولان پذیرش دانشگاه‌ها» (American Association of Collegiate Registrars and Admissions Officers. (AACRAO)) در سال ۲۰۰۴ انجام شد نشان داد که ۶۹ درصد از پاسخ دهندگان با اختطاریه مأموران پلیس یا دستور قضایی مواجه شده‌اند و ۳۱ درصد با تقاضاهای غیر موجه پلیس مواجه شده‌اند. همچنین ۱۳۸ درخواست گزارش شده، بدون اختطاریه یا دستور قضایی و ۳۷۷ مورد با اختطاریه یا دستور قضایی بوده است. (www.aacrao.org)

۳،۱،۴. کتابخانه‌ها (Libraries)

جامعه کتاب‌خانه‌ها از قدیم از محرمانه بودن اطلاعات مراجعان به کتاب‌خانه‌ها حمایت کرده است. دلیل این کار این است که رابطه‌ای وثیق بین مطالعات فرد و روش‌های بازیابی اطلاعات و حقوق فردی مزبور در نخستین اصلاحیه قانون اساسی امریکا وجود دارد (Regan, 2004: 485). همچنین جامعه کتاب‌خانه‌ها به خوبی از تاریخچه تحقیقات دولتی از اطلاعات مراجعان آگاهی دارد که از دهه ۱۹۵۰ آغاز و در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با برنامه سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (FBI) برای شناسایی جاسوسان شوروی سابق در تحقیقات کتاب‌خانه‌ای استمرار یافت. نگرانی مسئولان کتاب‌خانه‌ها، آثار مایوس‌کننده‌ای است که بررسی اطلاعات مراجعان کتاب‌خانه‌ها بر اعمال حقوق مندرج در اصلاحیه اول قانون اساسی امریکا به جای می‌گذارد (Martin, 2003: 283-306).

قانون پاتریوت به ویژه در ماده ۲۱۵ راه‌هایی را که مأموران دولتی می‌توانند به اطلاعات تجاری و همه اموال منقول در کتاب‌خانه و از جمله اطلاعات مربوط به مراجعان به کتاب‌خانه و فعالیت‌های اینترنتی دسترسی پیدا کنند توسعه می‌دهد. اطلاعات مراجعان کتاب‌خانه که پیش از این با اختطاریه قبلی و در موردی که دلایل ظنی وجود داشت و با بیان مقصود تحقیق قابل دسترسی بود، امروزه صرفاً با یک مجوز تحقیق بدون ضرورت اعلام دلایل احتمالی قابل دسترسی است در موردی که اطلاعات راجع به خارجی‌ان یا تروریسم «دلیل اصلی» (Significant Purpose) تحقیق باشد. (Ibid) علاوه بر این، کتابداران از افشاء این که چنین تحقیقاتی انجام شده نسبت به عموم مردم یا کاربران ممنوع شده‌اند. در این وضعیت، گرچه کتابداران در جلوگیری از افشای اطلاعات نقشی ندارند ولی در ایجاد اطلاعات و حفظ آن

نقش دارند. برخی کتابداران آن گونه که گزارش شده برای پیشگیری از چنین تحقیقاتی، ذخیره برخی اطلاعات و رکوردها را متوقف کرده اند (Pike, 2002: 19-21).

این که به چه میزانی کتابخانه‌ها ملزم به افشای اطلاعات شده‌اند روشن نیست. در پاسخ به سئوالات مطرح شده از سوی کمیته دادگستری کنگره (House Judiciary Committee) وزیر دادگستری پاسخ داد: «تعداد دفعاتی که دولت تقاضا کرده یا دادگاه‌ها با درخواست‌های تحقیق بر اساس ماده ۲۱۵ از زمان تصویب قانون پاتریوت موافقت نموده‌اند دسته‌بندی شده و در زمان مناسب اعلام خواهد شد. (Regan, 2004: 486)

۴.۱.۴. اینترنت و شرکت‌های مخابراتی (Internet and Communications Companies)

مأموران انتظامی و امنیتی همواره دسترسی به رکوردها و محتوای ارتباطات مخابراتی را در تحقیقات خود مهم می‌دانسته‌اند. رکوردهای فراهم‌کنندگان سرویس‌های مخابراتی (ISP) مشتمل بر حوزه‌ای گسترده از اطلاعات راجع به صدا و پیام‌های جابجا شده از جمله زمان، مدت، طرفین تماس و همین‌طور اطلاعات تاریخی راجع به فراوانی و الگوهای ارتباطی است. سرویس‌دهندگان مخابراتی همچنین امروزه محتوای پست الکترونیک (e-Mail) و پست صوتی (voice mail) را برای مدت زمان خاص نگهداری می‌کنند. با درک ارزش ویژه اطلاعات مخابراتی، شیوه‌نامه‌هایی گسترده برای حمایت از ارتباطات خصوصی افراد وجود داشته‌است. در آمریکا این رویه‌ها به‌طور خاص در قانون «کنترل جرم و امنیت معابر ۱۹۶۸ (Omnibus Crime Control and Safe Streets Act 1968)؛ قانون مراقبت اطلاعاتی خارجی ۱۹۷۸ (Foreign Intelligence Surveillance Act 1978) و قانون ارتباطات الکترونیک ۱۹۸۶ (Electronic Communications Act 1986) پیش‌بینی شده‌است. اما همان‌گونه که یکی از نویسندگان آمریکایی می‌گوید: «قانون پاتریوت به شکل مؤثری این دیواره آتش قانونی را که یک ربع قرن ایجاد شده بود نابود کرد»^۱. قانون پاتریوت مشتمل بر مقرراتی است که دسترسی مأمورین پلیس به اطلاعاتی که توسط واسطه‌های مخابراتی نگهداری می‌شود را گسترش داده‌است. ماده ۲۱۰ این قانون به مأموران پلیس اجازه می‌دهد که با یک اخطاریه اداری (Administrative subpoena) از طریق این مراکز، به کارت اعتباری، شماره حساب، وقت جلسات و آدرس‌های موقت موجود در شبکه دسترسی پیدا کنند. با توجه به این که برخی مشتریان در اتصال به سرویس‌های برقرارکننده ارتباط (ISP) از اسم مستعار استفاده می‌کنند، دسترسی به اطلاعات پرداخت، در شناسایی هویت واقعی آنها بسیار مؤثر است. (Lee, 2003: 381)

1. (The USA PATRIOT Act effectively tears down the legal firewalls created a quarter of a century ago. (Lee, 2003: 387)

همچنین ماده ۲۱۱ به شرکت های مخابراتی اجازه می‌دهد اطلاعات کاربران را از طریق ارتباطات اینترنتی بدون اخطار قبلی شناسایی کنند. ماده ۲۱۶ اختیارات مأموران قانون را جهت استفاده از نرم افزارهای خاص و ابزارهای رد یابی نسبت به ارتباطات الکترونیک از جمله ایمیل و گردش در وب افزایش داده است. این توسعه بحث انگیز، دسترسی به جزئیات اطلاعات ایمیل را ممکن خواهد ساخت و به شکل روشنی تفاوت میان انتقال اطلاعات و محتوای اطلاعات را تیره و تار ساخته است. (Lilly, 2003: 460)

۵,۱,۴ حمل و نقل (Transportation)

با توجه به این واقعیت که تروریست‌های ۱۱ سپتامبر از هواپیما به عنوان سلاح استفاده کردند، برای پیشگیری از موارد مشابه، توجه زیادی به این بخش جلب شده است. بدین منظور، دپارتمان حمل و نقل (Department of Transportation) و دپارتمان امنیت داخلی (Department of Homeland Security) مخصوصاً از طریق سازمان امنیت حمل و نقل (Transportation Security Administration. (TSA)). چندین سیستم کنترل مسافران را به کار گرفتند. سیستم پیشنهادی جدید که به سیستم (Computer Assisted Passenger (CAPPS II) (Screening System) مشهور شده است، به اطلاعات بیشتر دسترسی یافته و به شکلی پیچیده‌تر این اطلاعات را پردازش می‌نماید. این سیستم با دریافت اطلاعات ثبت نام مسافران (Passenger Name Record. (PNR)) شامل نام، شماره تلفن، مقصد سفر و روش پرداخت هزینه بلیط که مستلزم اطلاع از اطلاعات شماره حساب کاربران است آغاز می‌شود. پس از این مرحله، سیستم موصوف با استفاده از مرکز اطلاعات دولتی از جمله اطلاعات طبقه بندی شده و امنیتی، ضمن ارزیابی اطلاعات دریافتی، اخطار لازم را به مرکز کنترل بلیط می‌دهد (www.dhs.gov:2004).

البته این سیستم با واکنش افکار عمومی مواجه و در عمل با مشکلاتی مواجه شد که از جمله می‌توان به مشکلات دسترسی به اطلاعات به دلیل عدم همکاری شرکت های ترابری هوایی که به حریم خصوصی پایبند بودند و مخالفت برخی از کشورهای از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا اشاره کرد (Regan, 2004: 488).

وقتی شرکت «جت بلو» (Jet Blue) در تابستان ۲۰۰۳ با استفاده از سیستم مزبور موافقت کرد، بررسی‌ها توسط گروه های افکار عمومی روشن ساخت که این شرکت پیش از این پنج میلیون رکورد موجود در آرشیو خود را که مربوط به بیش از یک و نیم میلیون مسافر بوده است، برای یک پیمانکار پروژه های امنیتی افشاء کرده است. واکنش منفی افکار عمومی، به ضمیمه این واقعیت که افشای اطلاعات مسافران بر خلاف شیوه نامه رعایت حریم خصوصی

شرکت «جت بلو» بود، افشای اطلاعات توسط این شرکت را متوقف کرد ولی ظاهراً دیگر آژانس های هوایی از این مقررات پیروی کردند (Ibid).

علاوه بر این، به دنبال مذاکرات و گفتگوهای طولانی نمایندگان اتحادیه اروپا، این اتحادیه با دفتر گمرکات و حمایت از مرزهای (Bureau of Customs and Border Protection. (CBP) سازمان امنیت داخلی آمریکا به توافق رسیدند که در موارد حمل و نقل هوایی امکان دسترسی به اطلاعات مسافران (PNR) را فراهم نمایند. (www.europa.eu)

۲.۴. کاهش تضمینات حقوق فردی

علاوه بر بحث دسترسی به اطلاعات فردی و جمع آوری اطلاعات خصوصی که با مقررات قانون پاتریوت تغییراتی وسیع را شاهد بود، این قانون به شکلی گسترده کاهش تضمینات راجع به حقوق فردی را هم به دنبال داشته است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱،۲،۴ در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گنگره آمریکا از طریق فصل سوم «قانون کنترل جرم و امنیت معابر» (Crime Control and Safe Streets Act) و «قانون حفاظت از امنیت خارجی» (Foreign Intelligence Surveillance Act. (FISA)) خط فاصلی بین جمع آوری اطلاعات مربوط به امنیت خارجی و گرد آوری اطلاعات توسط مأموران انتظامی ایجاد کرده بود. قانون پاتریوت این دیوار حایل را بی مصرف کرده و در مواردی که جمع آوری اطلاعات امنیت خارجی هدف عمده تحقیقات است، مبادله اطلاعات بین مأموران امنیت خارجی و مقامات انتظامی را مجاز دانسته است. دادگاه های آمریکا قانون پاتریوت را چنان تفسیر کرده اند که همکاری و هماهنگی بین مأموران امنیتی و انتظامی را زمانی که ارتباط قابل قبولی با بحث امنیت خارجی یا تروریسم وجود دارد اجازه می دهد. علاوه بر این، قانون به آژانس اطلاعات مرکزی اجازه می دهد که از اطلاعات امنیتی فراهم شده از منابع داخلی استفاده کند (Bulzomi, 2003: 25)

۲،۲،۴. قانون پاتریوت به صورت کلی و ماده ۲۱۵ به صورت خاص دسترسی مقامات دولتی به اطلاعات فردی را گسترش می دهد و سطح مظنونیت را که پیش از این قبل از اخذ دستور قضایی برای دسترسی به اطلاعات فردی لازم بود کاهش می دهد. ماده ۲۱۵ تعریف قانون حفاظت از امنیت خارجی (FISA) از واژه اطلاعات را توسعه می دهد و شامل اشیاء منقول از قبیل کتاب، پرونده، مدارک و دیگر موارد می داند. همچنین این ماده محدودیت دسترسی به رکورد های تجاری (Business records) را که در قانون سابق وجود داشت نسبت به اطلاعات مرتبط به مؤسسات حمل و نقل عمومی، انبارهای عمومی، محل های ذخیره کالا و محل های کامیون های کرایه برداشته است. براساس قانون (FISA) لازم بود به صورت

خاص و با ذکر جزئیات نشان داده شود که شخصی که اطلاعات به او مرتبط است، یک قدرت خارجی یا وابسته به یک قدرت خارجی است. این شرایط برای مظنون بودن یا مرتبط بودن با دولت خارجی در ماده ۲۱۵ قانون پاتریوت حذف شدند تا همه افراد ساکن در ایالات متحده به ارائه اطلاعات ملزم شوند بدون این که به صورت فردی مظنون باشند.

۳،۲،۴. کاهش استاندارد مظنونیت فرد با تضعیف امنیت قضایی (Judicial safeguard) همراه شده است. در گذشته، برای صدور قرار بازداشت دلیل احتمالی برای توجه اتهام مورد نیاز بود. در شرایط جدید، استاندارد قرار بازداشت به مظنونیت کاهش یافته است. بر اساس قانون پاتریوت، بانک‌ها، آژانس‌های تأمین اعتبار و دانشگاه‌ها ممکن است ملزم شوند به افشای اطلاعات افراد وقتی یک مأمور FBI ارتباط آن را با تحقیقات مربوط به تروریسم اعلام نماید. بدین ترتیب بدون بررسی قضایی، به دولت اختیار بی سابقه در جمع‌آوری اطلاعات فردی داده شده است. در خواست اطلاعاتی که بر اساس ماده ۲۱۵ صادر می‌شود، بدون حضور سوژه مورد تحقیق و وکیل وی توسط دادگاه حراست از امنیت خارجی صادر می‌شود. (www.humanrightsfirst.org) همچنین قانون پاتریوت به اف.بی.آی (FBI) اختیار مطرح کردن موضوع به عنوان امنیت ملی را می‌دهد بدون این که هیچگونه تأیید قضایی بخواهد. پیش از این، طرح این موضوع فقط در مورد جاسوسان خارجی قابل طرح بود. (www.aclu.org)

در سال ۲۰۰۶ سازمان امنیت داخلی آمریکا در طرح جامعی با عنوان «استراتژی ملی برای امنیت داخلی» (The National Strategy for Homeland Security) با بررسی سیاست‌های اعمال شده در موضوع جنگ با تروریسم، راهبردهای آینده این کشور به خصوص در زمینه مشارکت همه بخش‌ها در زمینه همکاری‌های اطلاعاتی را مورد توجه قرار داده است. در مقدمه توجیهی این استراتژی آمده است: «استراتژی ملی ما برای مقابله با تروریسم اذعان دارد که جنگ با تروریسم جنگ متفاوتی است که تغییر پارادایمی خاص و به کارگیری همه عناصر قدرت ملی و تأثیر گذار را می‌طلبد. ساختارهای امنیتی و اطلاعاتی که ما را در جنگ سرد به پیروزی رساند، امروزه به حساسیت و تأکید بیشتری نیاز دارد که با تهدیدات تروریسم فراملی که در صدد نابودی ملت ما آزادی‌های ما و راه زندگی ما است به مقابله برخیزد. (www.ise.gov)

۴. نتیجه

چالش بین وظیفه برقراری نظم و امنیت و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی همواره از مشکلات نظام‌هایی است که حداقل در مبانی نظری خود به مردم سالاری اعتقاد دارند. این چالش، بحث تضمین حقوق فردی و انسانی مندرج در قوانین اساسی ملی و یا اسناد حقوق بشری را با مشکل مواجه می‌سازد. زیرا معمولاً نظام‌های سیاسی در شرایط اضطراری که

معیار عینی و تعریف شده ای ندارد، به بهانه ایجاد یا حفظ امنیت حقوق اساسی شهروندان را مورد تعرض قرار می دهند. در خصوص احترام حریم خصوصی که موضوع بررسی این مطالعه بود، با وجود این که مبانی نظری مناسبی در بنیان های ایدئولوژی لیبرال دارد، در عمل همواره با خطر محدودیت و مداخله مواجه بوده است. در خصوص عملکرد لیبرال دموکراسی آمریکا در این زمینه می توان گفت گرچه در این زمینه پیشینه تقنینی مناسبی در ایالات متحده وجود داشته است، رویکرد عمومی و رسمی در کاهش حمایت از حریم خصوصی به بهانه مبارزه با تروریسم بسیار گسترده و بیش از حد لازم بوده است.

این قوانین و رویه ها با نقض قوانین ملی و بین المللی، به شکلی گسترده به سازمان های امنیتی، پلیسی آموزشی، مخبراتی، و حمل و نقل اجازه جمع آوری اطلاعات شخصی و در اختیار گزاردن آن جهت تحلیل اطلاعاتی را می دهد. این امر نه به عنوان یک استثنا بلکه به عنوان رویه و استراتژی نهادینه شده است و توجیه آن هم حملات سال ۲۰۰۱ به برج های دوقلو و پنتاگون است. امری که هر چند بسیار وحشت آفرین و شوک آور بود، و اقدامات پیشگیرانه در این زمینه را منطقی و وظیفه دولتمردان آمریکا می نماید، به اقدامات و رویه هایی منجر شد که در واقع نوعی واپسگرایی و اتخاذ رویه هایی غیر قابل دفاع در عمل تبدیل گردیده که به گوشه هایی از آن در نقض حریم خصوصی اشاره شد و در زمینه های دادرسی عادلانه و دسترسی شهروندان آمریکا یا اتباع کشورهای دیگر به حقوق اساسی مسایلی را ایجاد نموده که مبحث دیگری را می طلبد.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

۱. استوارت میل، جان، (۱۳۵۸) رساله در باره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چاپ سوم.
۲. امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۳) مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، (نقل از: علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)
۳. بال، ترنس - ریچارد گر، (۱۳۸۲) ایدئولوژی های سیاسی و آرمان دموکراتیک، ترجمه احمد صبوری، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، چاپ اول.
۴. برلین، آیزایا، (۱۳۸۰) چهار مقاله در باره آزادی، ترجمه محمد علی موحد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ دوم.
۵. بشیریه، حسین، (۱۳۸۴) تاریخ اندیشه های سیاسی قرن بیستم (لیبرالیسم و محافظه کاری)، نشر نی، تهران، چاپ ششم.
۶. بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) آموزش دانش سیاسی، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ سوم.
۷. صناعی، محمود، (۱۳۸۴) آزادی فرد و قدرت دولت، انتشارات هرمس، تهران.
۸. کدیور، محسن، (۱۳۸۶) پیش درآمدی بر بحث عمومی و خصوصی در فرهنگ اسلامی.
۹. محمودی، سید علی، (۱۳۷۶) عدالت و آزادی، موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، تهران، چاپ اول.

۱۰. هی وود، آندرو، (۱۳۷۹) درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، تهران، چاپ اول.

ب) خارجی

1. Bulzomi, M. D. (2003) Foreign Intelligence Surveillance Act before and after the USA PATRIOT Act, FBI Law Enforcement Bulletin.
2. Clayton Richard, Tomlinson, Hugh, (2000) The Law of human rights, New York, Oxford.
3. Council Recommendations Concerning Guidelines Governing the protection of Privacy and Transporter Flows of Personal Data, 20 I.L.m. 422 (Oct. 1, 1980) at: www.Oecd.org/dsti.
4. Conner, G.M. (2001) New Jersey Law Journal, 166 (10).
5. Edwards, Paul, (1927) the Encyclopedia of Philosophy, USA, Macmillan.
6. Gavison, R., (2001) privacy: Legal aspects, International Encyclopedia of social and behavioural Sciences.
7. Hockeimer, Jr. (2002) USA PATRIOT Act is broaden than you imagine; from libraries to universities to trucking companies, New Jersey Journal, 168(3).
8. Lee, L.T. (2003) The USA PATRIOT Act and Telecommunications: Privacy under attack. Rutgers Computers and Technology Law Journal, No 29.
9. Lilly, J. R. (2004) National Security at what price? Cornell Journal of Law and Public Policy, 12(2).
10. Martin, K. (2003) The USA PATRIOT Act's application to library patron records, Journal of Legislation, 29.
11. National Strategy for Information Sharing, (2007) Homeland Security, USA.
12. Pike, G.H. (2002) History repeated with the USA PATRIOT Act, Information Today, 19(11).
13. Regan, Priscilla M, (2004) Old issues, new context: Privacy, information collection, and homeland security, Government Information Quarterly 21.
14. Rivard, N. (2002) USA PATRIOT Act: Ho to response ready..., University Business, 5(4).

ج) سایت های اطلاع رسانی

-www.ise.gov
 -www.aclu.org
 -www.humanrightsfirst.org
 www.europa.eu-
 -www.dhs.gov:2004
 www.aacrao.org
 -www.oecd.org